

ساختار شکنی سینمای هالیوود از روایت منجی و نقش آن در تخریب هم‌گرایی ادیان

مسعود زائری^۱

محمد مهدی لطفی^۲

چکیده

بررسی پیشینه ادیان که گویای چالش‌ها و مخاصمات فراوان در میان پیروان آن‌ها است و همچنین مشاهده وضعیت نابسامان کنونی جهان که تهدیدگر موجودیت ادیان می‌باشد؛ ضرورت تلاش به منظور تحقق هم‌گرایی ادیان را تردید ناپذیر می‌سازد. موعودباوری که از ارکان مشترک ادیان است، از جمله آموزه‌هایی است که می‌تواند نقشی کلیدی در شکل‌گیری گفتمان‌های هم‌گرایانه بین ادیانی داشته باشد. در این زمینه، تاکید بر موضوع نجات در آخرالزمان توسط رسانه‌های جدید، مخصوصاً سینما، امری ضروری و به نوعی پیشران تحقق هم‌گرایی میان ادیان است. با وجود این، رصد محصولات سینمای هالیوود - به‌عنوان یکی از تأثیرگذارترین ابزارهای رسانه‌ای در جهان معاصر - گواهی می‌دهد که این رسانه در چند دهه اخیر در تغییر رویه‌ای ظریف و آرام، رویکرد جدیدی نسبت به موضوع منجی اتخاذ و به سمت و سوی نفی منجی‌گرایی حرکت کرده است که در این نوشتار، با استفاده از روش تحلیل محتوا و ارائه شاهد مثال‌های مختلفی از ساخت محصولات با محتوای پساآخرالزمان، پایان دنیا، تمرکز بر نجات بدون اتکا بر منجی و انکار اندیشه منجی؛ در صدد اثبات آن هستیم.

واژگان کلیدی: منجی‌گرایی، هم‌گرایی ادیان، آخرالزمان، سینمای هالیوود، نفی منجی‌گرایی.

۱. دانش پژوه سطح ۴ مرکز تخصصی موعود حوزه علمیه قم، ایران. (نویسنده مسئول)

masoodzaeri1368@gmail.com

۲. دکترای مطالعات تطبیقی ادیان ابراهیمی، دانشگاه ادیان و مذاهب قم، ایران؛ پژوهشگر پژوهشکده مهدویت و موعودگرایی انتظار پویا.
mlotfi313@gmail.com

مقدمه

میل و اشتیاق انسان‌ها برای رسیدن به زمان ظهور منجی آسمانی، در فطرت پاک و نیازهای درونی انسان ریشه دارد. این میل به‌عنوان یکی از جلوه‌های امید و آرزو برای رستگاری و عدالت، همواره در تاریخ وجود داشته است. در واقع، آنچه موجب شده است تا اندیشه ظهور منجی نهایی در تمامی ادیان و فرهنگ‌ها رونق بیش‌تری یابد، بحران‌های شدیدی بوده است که گاه زندگی بشریت را به چالش کشیده است.

در طول تاریخ، هر گاه انسان‌ها خود را در برابر مشکلات بزرگ و بلاهای طاقت‌فرسا ناتوان دیده‌اند، امید به ظهور یک منجی برای ایجاد عدالت و آرامش در دل‌ها فروغ بیش‌تری یافته است. این امید، نه تنها تسکینی برای رنج‌های انسان‌ها بوده، بلکه نیروی محرکه‌ای برای تلاش به منظور بهبود وضعیت موجود نیز به شمار می‌آید. انتظار ظهور منجی، نوعی نگرش به آینده‌ای روشن‌تر است که در آن ظلم و ستم جای خود را به عدالت و صلح خواهد داد (شاکری، ۱۳۸۷: ص ۱۶).

از سوی دیگر، باور به فردی نجات‌بخش نهایی، همواره از مقومات اساسی تمام ادیان الهی و حتی غیر الهی بوده است. به عنوان نمونه، مسیحیان به بازگشت عیسی مسیح، یهودیان به ظهور ماشیح و مسلمانان به ظهور امام مهدی عجل الله تعالی فرجه الشریف باور دارند و زرتشتیان به سوشیانت، هندویان به کلکی یا کلکین، بوداییان به میتریه به عنوان منجی نهایی خود معتقد هستند و در انتظارش به سر می‌برند.

وجود این مهم در میان ادیان می‌تواند به عنوان یکی از اصلی‌ترین و مهم‌ترین راهکارهای هم‌گرایی بین ادیان محسوب شود، به گونه‌ای که با تمرکز بر این محور مهم و همچنین مشترکات کارکردی منجی در دوران ظهور، همسو با هم‌گرایی میان ادیان و تمرکز بر زمینه‌سازی برای ظهور موعود آخرالزمانی رویکردی اتخاذ شود.

اهمیت و فراگیری این آموزه در میان انسان‌ها موجب شده است این مهم به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌ها و اولویت‌های فعالان مذهبی، فرهنگی و سیاسی در پیروان ادیان مختلف تبدیل شود تا بتوانند با پرداخت اساسی به این موضوع، ظرفیت‌های نهفته در آن را فعال کنند. در این میان، سینمای هالیوود تلاش کرده است با ورود جدی و تاثیرگذار، محوریت روایتگری در



موضوع آخرالزمان را در دست گیرد و از این طریق به اهداف و مقاصد خود نایل آید. با توجه به این که صنعت سینما یکی از ابزارهای استراتژیک جهان غرب محسوب می شود و نمی توان آن را جدا از تفکر و تمدن غرب تعریف کرد (خندقی، ۱۳۹۱: ص ۷۰)؛ ضروری است به موضوعات مطرح شده در این عرصه با دقت بیش تری نگریده شود تا امکان دستیابی به تحلیل های دقیق و همه جانبه فراهم گردد.

در یک نگرش کلی، تاریخ سینمای هالیوود نشان دهنده توجه ویژه سینماگران آن به فیلم های منجی محور است. هرچند می توان فیلم «زندگی بدون روح»، اثر جوز دلیو اسمایی را به عنوان یکی از قدیمی ترین نمونه های این ژانر نام برد؛ در دهه های اخیر، این دسته از فیلم ها سهم قابل توجهی از تولیدات سینمای هالیوود را به خود اختصاص داده و روند تصاعدی چشم گیری داشته اند (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۳۳۰).

بر همین اساس، در این مقاله با نگرشی علمی و دقیق به تجزیه و تحلیل سینمای آخرالزمانی و منجی محور هالیوود پرداخته ایم. آیا روند کلی این سینما، به سمت ترویج اندیشه منجی گرایی است تا بتوان از آن در جهت هم گرایی میان ادیان استفاده کرد یا این که این سینما با رویکرد دیگری سعی در نفی منجی گرایی دارد؟

قابل ذکر است که، بررسی موضوع منجی گرایی در سینمای هالیوود در مقالات متعددی همچون «چیستی و چرایی منجی سکولار در سینمای آخرالزمانی هالیوود» (سلطانی و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۳۲۹-۳۶۵)؛ «بازنمایی منجی در تولیدات سینمایی هالیوودی معطوف به آخرالزمان» (نقیب السادات، ۱۳۹۶: ص ۷۱-۹۵) و «نقد و بررسی سینمای موعودگرای غرب» (کاظمی، ۱۳۹۵: ص ۳۵-۵۷) مورد بررسی قرار گرفته است؛ بررسی این سینما و اثبات رویکرد نفی مطلق منجی گرایی، موضوع جدیدی است که کم تر بدان پرداخته شده است. در مقاله دیگری که تحت عنوان «هالیوود و جهت گیری رسانه ای علیه منجی گرایی» منتشر شده؛ تمرکز آن صرفاً بر دشمنی با موضوع مهدویت در سینمای غرب است و با رویکرد این مقاله متفاوت است.



منجی باوری و هم‌گرایی ادیان

بررسی پیشینه تاریخی ادیان، بر این مطلب گواه است که در گذشته، عوامل مختلفی چون تعصبات دینی و یا بی‌اطلاعی از آموزه‌های سایر ادیان باعث اختلافات، منازعات و درگیری‌های بسیاری در میان پیروان ادیان شده و این امر موجب تضعیف جامعه دینی و در مواردی موجب تسلط بی‌دینان بر دین‌داران گشته است (سنچولی، ۱۳۹۴: ص ۵۷). در جهان معاصر نیز ادیان با چالش‌های نسبتاً مشابهی روبه‌رو هستند که برای برون رفت از آن باید راه چاره‌ای اندیشید. بر همین اساس، هم‌گرایی ادیان با وجود همه اختلافات فکری و عملی می‌تواند به عنوان راه‌کاری مناسب، راه عبور از این چالش‌ها را هموار سازد.

نظریات مختلفی در مورد هم‌گرایی میان ادیان مطرح شده است که یکی از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین آن‌ها نظریه «هم‌گرایی معقول» می‌باشد که عبارت است از «قرار دادن اصول مشترک ادیان به عنوان محور هم‌گرایی، احترام به باورهای اختلافی و برکنار کردن عقاید شخصی و فرهنگ محلی و خصوصیات آرا و نظریات متعلق به هر یک از اجزای اصول مشترک که به تعقل و اجتهاد گروهی یا شخصی مربوط است. در این نوع هم‌گرایی ضمن این‌که مشترکات همه ادیان را مهم می‌دانیم و به آن ارجح می‌نهیم، هیچ‌یک از ادیان را به خاطر اختلافی که با ما دارند با شمشیر تکفیر از میدان به‌در نمی‌کنیم و همه را کافر نمی‌دانیم» (لطفی، ۱۳۹۷: ص ۳۳).

برای تحقق هم‌گرایی در ادیان باید تلاش کرد تا زمینه‌های آن هرچه بیش‌تر فراهم شود و عوامل واگرایی روزبه‌روز کاهش یابد. تاسیس جامعه آرمانی به مثابه خواست و غایت مشترک ابنای بشر مقوله‌ای است که از دیرباز به صورت‌های مختلف در اکثر آیین‌ها و ادیان وجود داشته است. بی‌تردید آرمان‌شهر یا همان اندیشه‌های یوتوپیایی یکی از صورت‌های فلسفی اجتماعی این خواسته بشری بوده و به میزان زمینه‌های فکری اسطوره‌ای و فرهنگی هر جامعه، هیات خاصی از خود نشان داده است (کلبسی اشتری، ۱۳۸۹: ص ۱۷). تأکید بر مفهوم موعود و سناریو آینده جهان، از جمله آموزه‌هایی است که بیش‌ترین شباهت را میان این ادیان نشان می‌دهد و می‌تواند در پیدایش زمینه‌های هم‌گرایی و کاهش عوامل واگرایی ایفای نقش کند. کارل مان‌هایم معتقد است: «نقش و کارکرد یوتوپیا سامان دادن به عمل جمعی طبقات



اجتماعی برای تغییر واقعیت‌های تاریخی است و بخش مهمی از جامعه‌شناسی معرفت باید مصروف تبیین هم‌بستگی نزدیک میان شکل‌های مختلف یوتوپیا و قشرهای اجتماعی که نظام‌های موجود را دست‌خوش تحول می‌کنند، گردد» (مان‌هایم، ۱۳۸۰: ص ۲۱۳).

منجی‌باوری اعتقاد و باور است به این‌که نجات‌دهنده‌ای در راه است و نظم فعلی را دگرگون خواهد کرد و حکم‌فرمایی رحمت و صلح جهانی را به‌جای آن خواهد نشانید (اوتویت، ۱۳۹۲: ص ۸۶۴). آموزه موعود و آخرالزمان در ادیان با خلق انگاره‌های مشابه زمینه را برای هم‌گرایی این ادیان فراهم‌تر می‌کند.
این انگاره‌ها از این قرارند:

۱. برای جوامع انسانی وضعیت مطلوبی وجود دارد که این وضعیت را ادیان به‌گونه‌ای نزدیک به هم به تصویر کشیده‌اند؛

۲. وضعیت موجود جامعه انسانی از منظر ادیان نامطلوب بوده و با آن وضعیت آرمانی ناسازگار است و همین امر روحیه اعتراض و انکار دنیای مدرن را در میان پیروان ادیان به وجود می‌آورد» (لطفی، ۱۳۹۷: ص ۰۵).

در حقیقت اندیشه موعود باوری در ادیان، از یک سو انگاره مشابه آینده مطلوب و همچنین وضعیت نابسامان موجود را می‌آفریند و از سوی دیگر، نیازهای مشترکی همچون غلبه بر وضعیت نابسامان موجود و ایجاد زمینه برای حرکت به سوی آینده مطلوب را به وجود می‌آورد.

پیشینه و رویکرد سینمای آخرالزمانی هالیوود

برخی از کارشناسان حوزه رسانه، مانند وین هامونیک^۱ معتقدند اولین فیلم با موضوع آخرالزمان در سال ۱۹۱۶ میلادی ساخته شده است. این فیلم صامت با عنوان «Verdens undergang»^۲ به تهدید نابودی زمین به دلیل برخورد یک شهاب سنگ دنباله‌دار می‌پردازد (Wynn Hamonic, 1916: p.1). تولید این نوع فیلم‌ها به صورت پراکنده ادامه یافت؛ اما به دلیل وقوع دو جنگ جهانی اول و دوم، از سوی سازندگان و مخاطبان سینما چندان توجهی

1. Wynn Hamonic

۲. واژه‌ای به زبان دانمارکی به معنای «پایان دنیا». البته ظاهراً این فیلم با نام «شمشیر شعله‌ور» نیز اکران شده است.



به خود جلب نکرد.

دهه ۱۹۵۰ میلادی را می‌توان آغاز تولید گسترده فیلم‌های آخرالزمانی در سینمای هالیوود دانست. در این دهه، حدود سیزده فیلم با چنین مضامینی ساخته و اکران شدند. روند افزایش تولید این ژانر تا دهه ۱۹۹۰ میلادی ادامه داشت و تعداد این فیلم‌ها به حدود چهل مورد رسید. با نزدیک شدن به سال ۲۰۰۰ میلادی و آغاز هزاره سوم، تولید فیلم‌های آخرالزمانی رشد چشمگیری پیدا کرد و در ابتدای دهه اول هزاره سوم، تعداد این آثار در هالیوود به بیش از شصت و پنج فیلم رسید (Tupy, 2019).^۱ روند تولید این دسته از محصولات سینمایی تا امروز ادامه داشته است و در سال‌های اخیر نیز محصولات آخرالزمانی که در آن‌ها روایت پایان دنیا با سناریوهای مختلف مطرح است؛ با سرمایه‌گذاری‌های هنگفت کمپانی‌های بزرگ فیلم‌سازی هالیوود تولید و عرضه می‌شود.

اما در این بین، موضوع مهم، نمایش منجی نجات‌بخش در این محصولات است؛ به گونه‌ای که در غالب این تولیدات شاهد شخصیتی به عنوان منجی انسان‌ها در حوادث آخرالزمانی می‌باشیم. کارکرد این شخصیت بدین‌گونه است که قرار است در بحبوحه اتفاقاتی، اعم از سیل، زلزله، ویروس‌ها، موجودات فضایی و هوش مصنوعی که در فیلم به عنوان تهدیدی برای نابودی کره زمین به نمایش گذاشته می‌شوند، به حل این تهدیدها کمک کرده و آن‌ها را از حیات بشری مرتفع گردانند.

به نظر می‌رسد نمایش مکرر سناریوهای آخرالزمانی در تولیدات سینمای هالیوود، به‌ویژه در فیلم‌ها و سریال‌هایی که به موضوعات پایان دنیا، فروپاشی تمدن‌ها و بحران‌های جهانی می‌پردازند؛ به‌گونه‌ای طراحی شده است که ذهن مخاطب را به سمت پذیرش ایده منجی‌گرایی -البته با رویکردی غالباً ضد دینی- سوق دهد. این رویکرد به طور هدفمند تلاش می‌کند با

1. In the 1950s, 13 such movies were made. In the 1960s, the number increased to 24. The 1970s saw 39 apocalyptic movies and the 1980s saw that number rise to 40. Perhaps as a result of the unexpectedly peaceful ending to the Cold War, the number of disaster films fell to 37 in the 1990s, but in the first decade of the third millennium, it shot back up to 65. (<https://fee.org/articles/hollywoods-apocalypse-obsession-ignores-reality>)

ایجاد تصویری از جهانی پرآشوب و بی ثبات، مخاطب را به این باور برساند که تنها راه رهایی از چنین شرایط بحرانی، ظهور یک منجی مقتدر بشری است که بتواند نظم را بازگرداند و انسان را نجات دهد.

این پیام از طریق داستان‌های متنوع و شخصیت‌پردازی‌های قهرمانانه منتقل می‌شود و با تکرار مداوم در آثار مختلف، تأثیرات عمیقی بر ذهن مخاطبان می‌گذارد. چنین رویکردی علاوه بر جنبه سرگرمی، اهداف ایدئولوژیک خاصی را دنبال می‌کند که در آن، مخاطب، ناخودآگاه به پذیرش ضرورت وجود یک منجی^۱ هدایت می‌شود.

بر همین اساس، می‌توان چنین نتیجه گرفت که رویکرد غالب سینمای هالیوود از ابتدای ورود به موضوع آخرالزمان و منجی‌گرایی، رویکردی ترویجی بوده است و سردمداران این سینما تلاش کرده‌اند با استفاده از این ظرفیت، به تبلیغ اندیشه منجی‌گرایی – با خوانش غربی – بپردازند. این رویکرد، به‌ویژه در نیمه دوم قرن بیستم، به شکلی آشکار در بسیاری از آثار سینمایی هالیوود قابل مشاهده است.

رویکرد جدید سینمای آخرالزمانی هالیوود

مشاهده تولیدات سینمای هالیوود در دوران معاصر، به خصوص در سه دهه اخیر، گویای نوعی تغییر نگرش در پرداخت به موضوعات آخرالزمانی و منجی محور در این سینما است. رصد روند کلی محصولات این سینما گواه آن است که هالیوود در سال‌های اخیر به سمت نفی منجی‌گرایی حرکت کرده است و این تغییر نشان دهنده تحول در نگرش جامعه و سینماگران نسبت به مفاهیمی مانند قهرمان‌گرایی و منجی‌گرایی است.

بر همین اساس، در ادامه با ارائه تحلیل از محصولات سینمای غرب، به اثبات این مدعا پرداخته می‌شود و نگرش‌های بازنمایی شده مورد بررسی قرار می‌گیرد:

۱. در مورد گونه شناسی انواع منجی در سینمای هالیوود بحث‌های مختلفی صورت گرفته که مهم‌ترین آن تقسیم بندی منجی از لحاظ الهی بودن و غیر الهی بودن است (به عنوان نمونه ر.ک: سلطانی، فاطمه و دیگران، «چیستی و چرایی منجی سکولار»، مشرق موعود، قم، شماره ۳۸).

۱. تمرکز بر نجات بدون اتکا به منجی نهایی

تمرکز بر نجات به وسیله یک شخص یا گروهی از افراد و ناامیدی از یک منجی نهایی که در بسیاری از محصولات سینمای هالیوود به چشم می‌خورد، تأکیدی بر این ایده است که رهایی و نجات بشر از حوادث آخرالزمانی نه از طریق منجی نهایی، بلکه از طریق اقدامات فردی یا همکاری‌های گروهی حاصل می‌شود.

مشاهده روند کلی و غالب سینمای غرب، گویای آن است که در بسیاری از آثار آن، شخصیت منجی به عنوان فردی خارق‌العاده و دارای ویژگی‌های خاص معرفی می‌شود که وظیفه اصلی او نجات جهان یا بشر از خطرات عظیم آخرالزمانی است. به عنوان مثال، مشاهده فیلم‌هایی مانند «میان ستاره‌ای»^۱، «ماتریکس» و «۲۰۱۲» گویای آن است که یک شخصیت در فیلم به عنوان منجی تمام انسان‌ها معرفی شده و با اقداماتی موجب نجات جان انسان‌ها می‌شود. در مقابل فیلم‌هایی نیز وجود دارند که رویکردی متفاوت اتخاذ کرده‌اند. در این آثار، نجات و رهایی از بحران‌ها و حوادث آخرالزمانی نه توسط منجی واحد، بلکه از طریق تلاش‌های جمعی صورت می‌گیرد. چنین رویکردی به عنوان نمونه در فیلم‌هایی مانند «یک مکان آرام»^۲ و یا «جعبه پرنده»^۳ که هر دو در سال ۲۰۱۸ میلادی ساخته شده‌اند، قابل مشاهده است.

فیلم «جعبه پرنده» روایتگر داستانی آخرالزمانی است که در آن موجودات یا نیروهای ناشناخته‌ای ظاهر شده‌اند و این موجودات باعث می‌شوند هر کس به آن‌ها نگاه کند، دچار توهمات وحشتناک شده و به خودکشی اقدام کند. تنها راه زنده ماندن، نگاه نکردن به آن‌ها است و انسان‌ها باید چشمان خود را بسته نگاه دارند یا از محافظ‌های چشمی مانند پارچه یا نقاب استفاده کنند.^۴ در ابتدای فیلم، یک زن باردار شاهد شیوع این پدیده مرموز است و به همراه گروهی از بازماندگان در خانه‌ای پناه می‌گیرد و سعی می‌کند از خود و فرزندانش محافظت

1. Interstellar.

2. A Quiet Place.

3. Bird box.

4. <https://www.imdb.com/title/tt2737304/plotsummary>.

کند. در طول فیلم، این شخصیت و گروهش با چالش‌های زیادی؛ از جمله کمبود منابع، درگیری‌های داخلی و تهدید موجودات ناشناخته روبه‌رو می‌شوند. وی پس از مدتی متوجه می‌شود که ممکن است مکان امنی برای زندگی وجود داشته باشد و تصمیم می‌گیرد به همراه دو کودک خود سفری خطرناک را آغاز کند که باید با چشمان بسته و تنها با تکیه بر حس شنوایی خود، از رودخانه‌ای عبور کنند تا به آن مکان امن برسند. در نهایت نیز او به همراه کودکانش به مقصد می‌رسند و متوجه می‌شوند که این مکان امن، یک جامعه سازمان یافته است که توسط افراد نابینا و کسانی که یاد گرفته‌اند بدون دیدن زندگی کنند؛ اداره می‌شود.

در این فیلم هیچ نشانی از اتکا به یک منجی وجود ندارد و همه افراد موجود در فیلم، به خصوص شخصیت اصلی، تلاش می‌کنند با تکیه بر نیروی خود، نه بر منجی آسمانی، راه نجاتی یافته و از گزند این حادثه آخرالزمانی رهایی یابند.

در فیلم «یک مکان آرام» نیز شاهد تکرار همین سناریو می‌باشیم و داستان فیلم روایت‌گر خانواده‌ای است که در تلاش‌اند خود را از دست موجوداتی که با ایجاد صدا به انسان‌ها حمله‌ور می‌شوند، نجات دهند. در این فیلم نیز تمام تمرکز این خانواده بر ظرفیت‌های خودشان است و هیچ نشانی از وجود یک منجی برای تمام انسان‌ها دیده نمی‌شود.

ب. انکار اندیشه منجی‌گرایی

از جمله مهم‌ترین نمونه‌ها برای اثبات فرضیه مذکور در این تحقیق، ساخت محصولاتی است با انکار اندیشه منجی‌گرایی که در آن، مطلق این اندیشه مورد حمله مستقیم قرار گرفته است. شاید بتوان شاخص‌ترین نمونه این موضوع را در فیلم «تل ماسه»^۱ مشاهده کرد که از جهات مختلفی دارای اهمیت می‌باشد.

فیلم «تل ماسه»، اقتباس سینمایی موفق از رمانی با همین نام به نویسندگی فرانک هربرت است که در دو قسمت در سال‌های ۲۰۲۱ میلادی و ۲۰۲۴ میلادی به نمایش درآمد (مصطفوی، ۱۴۰۳: ص ۷۰). اکران این فیلم با واکنش‌های وسیعی در سطح جهانی روبه‌رو گشت و همین امر

1. Dune.

موجب برجسته شدن نام این فیلم در مجامع جهانی شد. اصلی‌ترین سؤال پیش آمده این بود که آیا این فیلم یک اثر منجی محور است یا اساساً با محصولی مواجه هستیم که نفی اندیشه موعودگرایی را دنبال می‌کند؟

برای دستیابی به پاسخ این سوال، دقت در مصاحبه‌های نویسنده رمان تل ماسه بسیار راه‌گشا است.^۱ وی در برخی مصاحبه‌های تلویزیونی، انگیزه‌اش را از نگارش این کتاب، نقد قهرمان محوری و رهبری ارائه شده توسط ادیان و مکاتب مختلف بیان کرده است. هربرت عقیده دارد این‌که دسته‌ای از انسان‌ها سرنوشت خود را به دست یک رهبر می‌سپارند، از عمده‌ترین اشتباهات راهبردی آن‌ها است. بر همین اساس، فیلم ساخته شده از این رمان نیز به دلیل پایبندی مضمونی به آن، در حقیقت به نفی اندیشه منجی محوری پرداخته است.

شخصیت اصلی داستان، پل آتریدیس، اگرچه در ظاهر به عنوان یک منجی معرفی می‌شود؛ اما در طول روایت مشخص می‌شود که این جایگاه با خطرات و چالش‌های عمیقی همراه است. فیلم عملاً نشان می‌دهد که اتکا به یک فرد یا ایده منجی‌گرایانه نه تنها راه‌حل نهایی نیست، بلکه می‌تواند پیامدهای ناخواسته و خطرناکی به همراه داشته باشد.

این فیلم روایتگر زندگی انسان‌ها در هزاران سال آینده است و اقوام و تمدن‌های مختلفی را به تصویر می‌کشد. در این فیلم، گروهی از زنان شبه جادوگر به نمایش در می‌آیند که به خواهران بنی‌جزریت معروف هستند و وظیفه آنان هدایت فکری و عقیدتی اقوام مختلف به منظور تحقق اهداف سیاسی و استعماری رهبران و سیاست‌مداران پشت صحنه است. از جمله موضوعات مهمی که خواهران بنی‌جزریت بر آن تمرکز دارند، موضوع منجی‌سازی و ترویج اعتقاد به منجی است. در جای‌جای این فیلم صراحتاً به این موضوع پرداخته شده است و اصل اندیشه موعود و منجی را ساخته شده توسط این گروه معرفی می‌کند.

اعضای فرقه بنی‌جزریت با فعالیت‌های تبلیغی خود در میان اقوام مختلف موجود در فیلم، تمام تلاش خود را می‌کنند تا ظهور منجی مورد نظر خود را میان آن‌ها به باوری و اعتقاد عمومی تبدیل کنند. در این فیلم به وضوح موضوع سوء استفاده و جعل اندیشه منجی‌گرایی قابل

1. <https://www.youtube.com/watch?v=26GPaMoeiu4>

مشاهده است و اصل این ایده را جعلی و ابزاری برای کنترل انسان‌ها معرفی می‌کند. شخصیت محوری نیز در ابتدای فیلم بارها به گروه خواهران بنی جزریت نسبت به این موضوع اعتراض می‌کند و سوء استفاده از اعتقادات اهالی آراکیس نسبت به منجی را امری مردود و غیراخلاقی می‌داند. با این حال، در ادامه داستان و با افزایش محبوبیت خود در میان مردم، دچار وسوسه می‌شود و به سمت سوء استفاده از عقیده منجی‌گرایی این قوم حرکت می‌کند تا به مقام امپراتوری کل تمدن‌های موجود در فیلم دست پیدا کند.

هرچند در کم‌تر محصولی از آثار سینمایی غرب، مانند این فیلم شاهد نفی مستقیم اندیشه منجی‌گرایی هستیم؛ در تولیدات دیگری گزاره‌هایی همچون نقد اقدامات منجی و قهرمان و همچنین انتقاد از اعتماد بی‌قید و شرط به چنین شخصیتی وجود دارد. به عنوان نمونه، فیلم «مه»^۱ محصول سال ۲۰۰۷ میلادی با نمایش پایانی به شدت تلخ‌گویای این است که تصمیمات منجی‌گونه ممکن است به فاجعه‌ای بزرگ‌تر منجر شود.

پایان این فیلم به گونه‌ای طراحی شده که شخصیت اصلی که به نوعی منجی یا قهرمان موجود معرفی شده، پس از این‌که متوجه می‌شود هیچ راه نجاتی از حادثه آخرالزمانی به تصویر کشیده شده در فیلم وجود ندارد و جانوران عظیم‌الجثه در حال نزدیک شدن هستند؛ تصمیمی وحشتناک می‌گیرد و با استفاده از تنها چهار گلوله‌ای که در اختیار دارد، به قتل همراهانش می‌پردازد تا آن‌ها را از درد و رنج ناشی از حمله آن موجودات خون‌آشام نجات دهد؛ اما این شخصیت پس از کشتن عزیزانش متوجه می‌شود که اگر چند دقیقه پیش‌تر صبر کرده بود، نجات همه آن‌ها ممکن بود. پایان تلخ این فیلم که عمیقاً بر احساسات بیننده تأثیرگذار است، نشان می‌دهد تصمیمات یک شخص و اتکا به دیگری می‌توانند عواقب جبران‌ناپذیری داشته باشند.^۲

1. The Mist.

۲. قابل ذکر است به شخصیتی که در این فیلم محور قرار گرفته است، نمی‌توان اطلاق «منجی آخرالزمانی» داشت، بلکه به نوعی صرفاً «قهرمان» است (برای تفاوت میان شخصیت منجی و قهرمان رک: مقاله تکنیک شناسی سینمای هالیوود در راستای ایجاد حس نیاز و اضطراب به منجی).



ج. روایت‌های پساآخرالزمانی

آخرالزمانی که در فیلم‌های سینمای هالیوود به تصویر کشیده می‌شود با آخرالزمان دینی شباهت‌هایی دارد؛ زیرا در متون مقدس ادیان، نشانه‌هایی برای رسیدن به این زمان ذکر شده است که غالب آن‌ها از جنس وقوع حوادث و وقایع ناگوار و هولناک برای بشر است.^۱ بر این اساس، فیلم‌هایی که توسط نظام سینمایی غرب ساخته شده و در آن‌ها چنین شاخصه‌هایی وجود دارند به عنوان فیلم‌های آخرالزمانی این سینما شناخته می‌شوند. یکی از نویسندگان غربی چنین تعریفی برای فیلم‌ها و سینمای آخرالزمانی ارائه کرده است:

فیلم‌های آخرالزمانی محصولاتی هستند که یک تهدید معتبر را برای ادامه حیات نوع بشر به عنوان یک گونه، یا وجود زمین به عنوان سیاره‌ای که به حمایت از زندگی انسان قادر است به تصویر می‌کشد^۲ (Mitchell, 2001: p.xi)

از همین رو، بر اساس هر دو تعریف دینی و غربی-هالیوودی، در آخرالزمان حوادثی وجود دارند که موجب سختی و مشقت برای انسان‌ها و حتی کاهش جمعیت بشر خواهند شد. البته مقیاس این حوادث در اغلب محصولات سینمایی با مبالغه و بسیار عظیم به نمایش گذاشته شده است تا جایی که حتی ادامه حیات در کره زمین را غیر ممکن جلوه می‌دهد و یا این‌که غیر از تعداد بسیار محدودی، تمامی انسان‌ها به فنا محکوم هستند.

در چنین فضایی است که یک منجی نجات‌بخش ظهور خواهد کرد و کل انسان‌هایی را که به این تهدیدها دچار شده‌اند نجات خواهد داد. در حقیقت، کارکرد منجی، نجات کل بشر از دورانی سیاه و رساندن آن‌ها به دورانی طلایی و برقراری صلح و عدالت در مقیاس جهانی است (تونه‌ای، ۱۳۸۷: ص ۷۰۶)؛ اما ظهور یک ژانر نسبتاً جدید در سینمای هالیوود با عنوان پساآخرالزمان،^۳ گویای نوعی تغییر نگرش این مجموعه به موضوعات منجی‌گرایی و

۱. برای نمونه رک: انجیل متی، ۲۴: ۲۹-۳۰، عهد عتیق: حزقیال نبی ۲۹: ۱۰-۱۲؛ الغیبه للنعمانی، ۱۴۱۱: ص ۲۷۷، ح ۶۱، الارشاد، ۱۴۱۳: ج ۲، ص ۳۷۸.

2. "...a credible threat to the continuing existence of humankind as a species or the existence of Earth as a planet capable of supporting human life."

3. Post-Apocalyptic.

نجات بخشی است.

داستان‌های پساآخرالزمانی روایت‌گر زمانی پس از وقوع یک رویداد فاجعه‌بار آخرالزمانی است و داستان بازماندگانی را دنبال می‌کند که در تلاش هستند جامعه را بازسازی کنند و با عواقب بعدی در دنیایی کاملاً تغییر یافته کنار آیند. در حقیقت، داستان آخرالزمانی، خودِ واقعه آخرالزمان یا رویدادهای منتهی به آن را به تصویر می‌کشد؛ اما داستان‌های پساآخرالزمانی دنیای باقی‌مانده پس از وقوع آخرالزمان را روایت می‌کند (Rose, 2022: p.3). روایت‌های سینمای هالیوود از دوران پساآخرالزمان، تصویری از جهانی نابودشده ارائه می‌کند که در آن، زمین به دلیل وقوع حوادث آخرالزمانی به خرابه‌ای تبدیل شده است. از آن‌جا که یکی از کارکردهای منجی‌نهایی، جلوگیری از ویرانی گسترده بر اثر اتفاقات آخرالزمانی و یا رفع این مشکلات است، این نوع روایت‌ها می‌توانند به طور غیرمستقیم این پیام را منتقل کنند که اتفاقات آخرالزمانی کار خودشان را کرده و زمین را نابود کرده‌اند و به پساآخرالزمان رسیده‌ایم؛ پس منجی یا وجود نداشته یا نتوانسته است مأموریت خود را برای حفظ کره زمین و انسان‌ها به انجام برساند و در نتیجه انسان‌ها در جهانی بدون نجات‌بخش و در شرایطی سخت و نابسامان به زندگی ادامه می‌دهند.

این سناریو در محصولات مختلفی از سینمای غرب قابل مشاهده است. به‌عنوان نمونه در فیلم‌هایی مانند «جاده»^۱، «فینچ»^۲ و «سریال‌هایی مانند «مردگان متحرک»^۳، «آخرین بازمانده از ما»^۴ شاهد روایتگری از دورانی سیاه هستیم که در آن عده زیادی از انسان‌ها بر اثر حوادث وحشتناک آخرالزمانی از بین رفته‌اند و محدود افراد باقی‌مانده در تلاش هستند تا در آن دوران سیاه به زندگی خود ادامه دهند.

1. The Road.
2. Finch.
3. The Walking Dead.
4. The Last of Us.



د. پایان دنیا و نابودی انسان‌ها

به جرأت می‌توان گفت بشر از آغاز پیدایش و از آن هنگام که پا به عرصه وجود نهاد و ابتدایی‌ترین جوامع را پیرامون خود تشکیل داد؛ همواره در اندیشه خویش آرزومند آرمان‌شهر و به تبع آن جست‌وجوگر شخصیتی بوده است که بتواند معمار و سازنده جامعه‌ای رؤیایی باشد (آصف آگاه، ۱۳۸۷: ص ۱). در حقیقت در تمامی ادیان نیز به این نیاز فطری انسان‌ها توجه شده و ظهور منجی و رسیدن به دورانی آرمانی وعده داده شده است. بر همین اساس تحقق این آرمان‌شهر موعود پس از وقوع سختی‌ها و حوادث ناگواری است که با ظهور منجی مرتفع شده و آن حیات طلایی شکل خواهد گرفت.

در این زمینه، دانشمندان براساس مطالعات گسترده، نظریه‌های متعددی را مطرح کرده‌اند؛ از جمله این نظریه‌ها می‌توان به دیدگاه‌های خطی تکاملی اشاره کرد که توسط اندیشمندانی نظیر آگوست کنت و تالکوت پارسونز ارائه شده است. این نظریه‌ها بر این اصل استوارند که تاریخ همواره در مسیری رو به تکامل حرکت می‌کند و جامعه بشری با گذشت زمان به سعادت و کمال نزدیک‌تر می‌شود. از این منظر، حرکت تاریخ به سوی جامعه‌ای آرمانی اجتناب‌ناپذیر است و انسان‌ها در نهایت به تحقق اهداف والای خود در آرمان‌شهر دست خواهند یافت (قنبری، ۱۳۸۵: ص ۱۶).

اما در این، بین سینمای هالیوود روایتگر نوعی دیگر از آینده تاریخ برای تمدن بشری است که در آن، نه تنها انسان‌ها به آرمان‌شهر دوران ظهور منجی نخواهند رسید، بلکه کل کره زمین و انسان‌های موجود در آن به واسطه یک اتفاق آخرالزمانی نابود خواهد شد و هیچ نشانی از منجی نجات‌بخش وجود ندارد و انسان‌ها تسلیم پایان دنیا هستند.

به عنوان نمونه، در فیلم «آگاهی»^۱ محصول سال ۲۰۰۹ میلادی، موضوع نابودی کره زمین به واسطه طوفان خورشیدی مطرح می‌شود و در طول فیلم شاهد تلاش انسان‌ها در زمینه مقابله با این حادثه هستیم. هرچند در بسیاری از فیلم‌های سینمای غرب در چنین موقعیت‌هایی، شخصیتی به نمایش گذاشته می‌شود که منجی انسان‌ها از این حوادث آخرالزمانی است؛ در

1. Knowing .

فیلم «آگاهی» انسان‌ها تسلیم این حادثه آخرالزمانی می‌شوند و در سکانس پایانی نیز، فیلم با نمایش نابودی کره زمین تمام می‌شود.

این محتوا در فیلم «بالا را نگاه نکن»،^۱ محصول سال ۲۰۲۱ میلادی نیز قابل مشاهده است و در آن داستان دو دانشمند مطرح است که خطر نابودی زمین را به واسطه برخورد یک ستاره دنباله‌دار متوجه می‌شوند و در تلاش‌اند تا مقامات کشور آمریکا را نسبت به این خبر آگاه کنند؛ اما در طول فیلم شاهد بی‌تفاوتی و یا سوء استفاده مقامات سیاسی از این موضوع هستیم و در نهایت نیز سکانس نابودی کل کره زمین در این فیلم نمایش داده می‌شود.

این سیر داستانی در محصولات دیگری چون فیلم‌های «مالیخولیا»^۲ و یا «این ساعات پایانی»^۳ نیز تکرار شده است و سناریوی نابودی جهان در این فیلم‌ها نیز به نمایش درآمده و در حقیقت به نوعی نمایش انسان‌هایی است که در دوران آخرالزمان محبوس شده‌اند و قرار است به واسطه یک اتفاق، نابود شوند و هیچ نجات‌بخشی نیز وجود ندارد و در نهایت انسان‌ها تسلیم سرنوشت خود، یعنی نابودی و فنا خواهند شد.

قابل ذکر است در ادبیات دینی و در بیان اوصاف روز قیامت و برپایی آن رخداد عظیم، موضوع نابودی کره زمین و هرآن‌چه در آن است، مطرح است (انبیاء: ۱۰۴)؛ اما قیامت و نابودی زمین بعد از دوران شکوفایی تمدن بشری به واسطه ظهور منجی الهی واقع خواهد شد (شهبازیان و دیگران، ۱۳۹۵: ص ۱۴۹-۱۶۸). در حقیقت، در فیلم‌های مذکور نابودی کره زمین را نمی‌توان مشابه رویداد قیامت تلقی کرد؛ زیرا وقوع روز رستاخیز، پس از ظهور منجی الهی و تحقق آرمان شهر است و حال آن‌که در این فیلم‌ها، نابودی زمین در زمان تمدن فعلی انسان‌ها و قبل از ظهور منجی اتفاق افتاده است.

همان‌گونه که در ابتدای مقاله حاضر بیان شد، مشاهده و تحلیل دقیق محصولات تولیدی سینمای هالیوود در چند دهه اخیر، گویای نوعی تغییر رویکرد در پرداخت به موضوع

1. Don't Look Up.
2. Melancholia.
3. These Final Hours.



منجی‌گرایی است که در مباحث مذکور، سعی گردید با ارائه مصداق و تحلیل چند نمونه از آن تولیدات، به اثبات این مدعا پرداخته شود. در این میان آنچه حائز اهمیت است، علت این نوع از تغییر نگرش و رویه از سوی سردمداران فضای رسانه‌ای است که پرداخت مستقل و مبسوط به این موضوع به مجال وسیع نیازمند بوده و از حیثه این نوشتار خارج است.

نقش سینمای هالیوود در تخریب هم‌گرایی ادیان

در جهان کنونی، نقش و جایگاه رسانه در زندگی نوع بشر به اندازه‌ای است که می‌توان ادعا کرد این رسانه‌ها هستند که بر انسان امروزی فرمانروایی می‌کنند. در دنیای کنونی رسانه‌ها از تاثیرگذارترین ابزارها هستند. آن‌ها علاوه بر آن‌که به طور مستقیم بر افراد تأثیر می‌گذارند؛ بر فرهنگ‌ها، هنجارها، ملاک‌ها و شاخصه‌هایی که مخاطب، اصول رفتاری خود را طبق آن‌ها پایه‌ریزی می‌کند نیز می‌توانند اثرگذار باشند (میرزایی، ۱۳۸۸: ص ۲۳).

در حقیقت حیثه کارکرد و تاثیرگذاری رسانه‌ها به قسم خاصی محدود نمی‌شود، بلکه آن‌ها بر تمام شئون فردی و اجتماعی انسان‌ها تاثیرگذاری دارند. این رسانه‌ها هستند که در زندگی شخصی انسان‌ها می‌توانند طرز تفکر انسان را به سمت و سوهای مختلف بکشانند و آن را مدیریت کنند. از طرف دیگر، در حیثه اجتماعی رسانه‌ها مهم‌ترین نقش را در تغییر نگرش جامعه بر عهده دارند. در بیان نقش موثر رسانه‌ها بر مدیریت و شکل‌دهی افکار عمومی مک لوهان اشاره می‌کند جنگ‌هایی که در آینده رخ خواهند داد، به وسیله تسلیحات جنگی و در میدان جنگ نخواهند بود، بلکه این جنگ‌ها به دلیل تصوراتی خواهند بود که رسانه‌های جمعی به مردم القا می‌کنند.^۱

بر همین اساس، القاءات رسانه‌ای، به خصوص رسانه‌ای مانند سینما، که از لحاظ کمی و کیفی بیش‌ترین تاثیرگذاری را بر مخاطب خود دارد، می‌تواند در اتفاقات جوامع انسانی و کنشگری‌های بشری بسیار حائز اهمیت باشد.

در این میان، از جمله مهم‌ترین موضوعاتی که می‌تواند در جهان امروزی منشأ بسیاری از

۱. ر.ک: دیوید میلر، رسانه‌ها و مرگ حقیقت، ماهنامه سیاحت غرب، ص ۳۰.

اتفاقات میمون و مبارک باشد، موضوع هم‌گرایی میان ادیان است و یکی از مواردی که می‌تواند به بهترین نحو تحقق بخش این هم‌گرایی باشد، اشتراک در اصل اندیشه منجی‌گرایی در میان ادیان است.

اکنون و با توجه به این که در مباحث مذکور، با تمرکز خاص بر تولیدات این سینما در چند دهه اخیر چنین نتیجه‌ای حاصل گشت که رویکردی جدید از سوی صاحبان سینمای غرب در تلاش برای تخریب و تحریف اندیشه منجی‌گرایی است؛ بی شک این مهم می‌تواند بر تخریب هم‌گرایی ادیان با محوریت موعودگرایی تاثیر بسزایی داشته باشد؛ زیرا مخاطبان محصولات سینمایی هالیوود در گستره جغرافیایی تمام کره زمین پراکنده‌اند و طبیعتاً پیروان تمام ادیان مخاطب محصولات این سینما هستند و خوراک فکری تولید شده در آن به پیروان همه ادیان خواهد رسید.

حال، موضوع مشترک منجی که قرار است به عنوان محور اصلی شکل‌گیری هم‌گرایی میان ادیان مطرح شود، وقتی از سوی سینمای هالیوود مورد تحریف یا نفی گردد؛ بدیهی است موضوعی که قرار بود محور ایجاد وحدت و هم‌گرایی میان پیروان ادیان مختلف باشد، از بین خواهد رفت. در چنین وضعیتی ذهن مخاطب جهانی که از طریق رسانه‌هایی مانند سینما با این ایده‌ها مواجه می‌شود، به تدریج از این مفهوم تهی می‌گردد و در نتیجه، مخاطب نه تنها با نگرشی منفی، بلکه با رویکردی سلبی با این موضوع برخورد خواهد کرد. این رویکرد سلبی به معنای رد کامل ایده منجی و موعودباوری به عنوان مفهومی مشترک میان ادیان است و در چنین فضایی هیچ مجال برای طرح مسئله هم‌گرایی بر محور موعودباوری باقی نخواهد ماند؛ چرا که سینمای هالیوود به عنوان یکی از قدرت‌مندترین ابزارهای تأثیرگذاری بر افکار عمومی، با نادیده گرفتن یا تحریف این ایده، عملاً آن را از اعتبار ساقط کرده است.



نتیجه گیری

در دنیای پر آشوب کنونی که از سویی شاهد جنگ‌ها، درگیری‌ها و بی‌عدالتی‌های گسترده و از سوی دیگر، شاهد تلاش دین‌ستیزان برای هجمه و تخریب ادیان الهی هستیم؛ نقش هم‌گرایی و وحدت میان ادیان بیش از پیش اهمیت یافته است. ادیان مختلف با وجود تفاوت‌های ظاهری در برخی از آموزه‌ها و مناسک، در اصول بنیادین خود دارای اشتراکاتی هستند که این ارزش‌های مشترک می‌توانند بستری مناسب برای گفت‌وگو و همکاری میان پیروان ادیان مختلف فراهم کنند. هم‌گرایی میان ادیان به معنای نادیده گرفتن تفاوت‌ها نیست، بلکه تأکید بر مولفه‌های مشترک و استفاده از آن‌ها برای ایجاد همبستگی و کاهش تنش‌هاست. چنین رویکردی می‌تواند به ترویج فرهنگ صلح و هم‌زیستی در دنیای پرتلاطم امروزی کمک کند.

موضوع منجی‌گرایی، به عنوان یکی از اشتراکات بنیادین میان ادیان، می‌تواند بستری مناسب برای ایجاد وحدت و هم‌گرایی میان جوامع و ادیان مختلف باشد. این مفهوم، که در باورهای مشترک الاهیاتی ریشه دارد؛ اگر توسط رسانه‌های جدید، خصوصاً رسانه سینما، مورد تأکید قرار گیرد، قطعاً خروجی آن در دنیای امروزی می‌تواند وحدت‌آفرین و منشأ اتفاقات مبارکی واقع شود؛ اما بررسی تولیدات سینمایی هالیوود در چند دهه اخیر نشان می‌دهد که در این سینما رویکرد جدیدی در حال شکل‌گیری است که با روایت داستان‌های پساآخرالزمانی، نمایش پایان دنیا و یا به تصویر کشیدن تلاش‌های فردی و گروهی برای نجات، نه تنها به تقویت اندیشه منجی‌گرایی کمک نمی‌کند، بلکه گرایش سلبی و منفی نسبت به این امر در حال گسترش و القا به مخاطب است که در نهایت موجب سست شدن باور به منجی در میان عموم مردم جهان خواهد شد و یکی از مهم‌ترین ظرفیت‌های ایجاد هم‌گرایی میان ادیان را از بین خواهد برد.

این مسئله نه تنها به تضعیف گفت‌وگوی بین‌ادیانی منجر خواهد شد، بلکه باعث می‌شود ایده منجی به عنوان عنصری مشترک میان ادیان بزرگ جهان، جایگاه خود را در ذهنیت جهانی از دست بدهد و در نهایت به شکاف بیش‌تر میان ادیان و کاهش امکان هم‌کاری و هم‌گرایی میان آن‌ها بینجامد.



منابع

قرآن کریم

۱. آصف آگاه، حسن (۱۳۸۷). *سوشیالیست منجی ایرانویج*، قم، موسسه آینده روشن.
۲. آوتویت، ویلیام و تام باتامور (۱۳۹۲). *فرهنگ علوم اجتماعی قرن بیستم*، مترجم: حسن چاوشیان، تهران، نشر نی.
۳. تونه‌ای، مجتبی (۱۳۸۸). *موعودنامه: فرهنگ الفبایی مهدویت*، قم، میراث ماندگار.
۴. خندقی، امین (۱۳۹۱). آخر الزمان و آینده‌گرایی سینمایی، بررسی و تحلیل بیش از ۵۰۰ فیلم، قم، نشر ولاء منتظر.
۵. زائری، مسعود (۱۳۹۹). *تکنیک شناسی رسانه‌ای سینمای هالیوود در راستای ایجاد حس نیاز واضطرار به منجی*، مطالعات مهدوی، شماره ۵۰، ص ۶۵-۸۴.
۶. سلطانی، فاطمه و زهرا مقدادی و سیدرضی موسوی گیلانی (تابستان ۱۳۹۵). *چیستی و چرایی منجی سکولار*، مشرق موعود، شماره ۳۸، ص ۳۲۹-۳۴۸.
۷. سنچولی، دوست علی (۱۳۹۴). *نگاهی تاریخی بر تعصب مذهبی و تأثیر آن بر مناسبات اجتماعی مسلمانان*، قم، دومین کنگره بین‌المللی فرهنگ و اندیشه دینی.
۸. شاکری زوردهی، روح‌الله (۱۳۸۷). *منجی در ادیان*، قم، بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود عجل‌الله تعالی فرجه الشریف.
۹. شهبازیان، محمد و عزالدین رضانژاد (تابستان ۱۳۹۶). *بازنگری در روایات جهان پس از حضرت مهدی عجل‌الله تعالی فرجه الشریف از منظر شیعه*، مشرق موعود، شماره ۴۲.
۱۰. قنبری، آیت (۱۳۸۵). *آینده جهان در نگاه ادیان*، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، نمایندگی ولی فقیه، اداره آموزش‌های عقیدتی سیاسی.
۱۱. کلباسی اشتری، حسین (۱۳۸۹). *هزاره‌گرایی در سنت مسیحی*، تهران، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۱۲. لطفی، محمد مهدی (۱۳۹۷). *نقش موعودباوری در هم‌گرایی ادیان ابراهیمی*، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، رساله دکترا.
۱۳. مارتین، هنری (بی‌تا). *کتاب مقدس (ترجمه قدیم)*، مترجم: میرزاسیدعلی خان و



دیگران، بی‌جا، بی‌نا.

۱۴. مان‌هایم، کارل (۱۳۸۰). *ایدئولوژی و اتوپیا، مقدمه‌ای بر جامعه‌شناسی شناخت*، ترجمه فیروز مجیدی، تهران، انتشارات سمت.

۱۵. مصطفوی، اسدالله (تابستان ۱۴۰۳). گذار هالیوود از پردازش غیر مستقیم، به رویارویی با آموزه مهدویت شیعی، عصر آدینه، شماره ۳۹، ص ۶۹-۸۵.

۱۶. مفید، محمد بن محمد (۱۴۱۳ق). *الإرشاد فی معرفة حجج الله علی العباد*، قم، کنگره شیخ مفید.

۱۷. مک کوایل، دنیس و سون ویندال (۱۳۸۸). *مدل‌های ارتباط جمعی*، ترجمه گودرز میرزایی، تهران، طرح آینده.

۱۸. میلر، دیوید (۱۳۸۵). *رسانه‌ها و مرگ حقیقت*، ماهنامه سیاحت غرب، شماره ۳۶، ص ۲۸-۳۱.

۱۹. نعمانی، محمد بن ابراهیم (۱۳۹۷). *الغیبه*، تهران، مکتبه الصدوق.

20. Rose, Kristen. (2022). What is the Difference between Dystopian, Apocalyptic, and Post-Apocalyptic Fiction?, YA Hotline, (115), 3-5.

21. Marian L. Tupy, "Hollywood's Apocalypse Obsession Ignores Reality," Foundation for Economic Education (<https://fee.org/articles/hollywoods-apocalypse-obsession-ignores-reality>), July 22, 2019.

22. Mitchell, Charles P. (2001). *A Guide to Apocalyptic Cinema*, Westport, Connecticut: Greenwood Press.

23. Hamonic, Wynn. (2016). Verdens Undergang (1916) and the Birth of Apocalyptic Film: Antecedents and Causative Forces, Journal of Religion & Film, 20(3).

